

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
ویومیة (جلالتین)  
(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر اداره آشیخ نجفی کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

یومیة

# هفتاد و دو سال

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۵ قران  
روسیه و قفقاز ۹۰ مائت  
سایر ممالک خارجه ۳۰ قران  
(قیمت يك نسخه)  
در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است  
قیمت اعلان سطر  
دو قران است

(روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)  
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

پنج شنبه ۲۷ ذی القعدة ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۷ دیتله جلالی ۸۲۹ و ۲ زانویه ۱۹۰۷ میلادی

بیکاری کن بیکاری نکن  
این مثل سالهای سالت که درالسنه وافواه دابر و  
بن خاص و عام نهایت شهرت را دارد افراد ملت کوچک  
و بزرگ همه میدانند و بمناسبت درکلام میگویند که بیکاری  
باز بیکاریست ولی چون هیچ وقت منظور ما نبوده  
که از لفظ قصد معنائی کنیم و هر چیزی را که شنیدیم بطور  
افسانه و سرسری از سر باز کردیم و از ضررش برخوردار  
نشدیم مثلاً آنچه را که در تهذیب اخلاق و صفای نفس  
و رسوم انسانی و منافع علم و مضار جهل و قانون مملکت  
داری و طریقه حکمرانی و فوائد نوع پروری و ادب  
صحبت در کتابها حتی کلمات برای ما نوشتند و خواندیم  
و فهمیدیم نه عمل کردیم و نه دیگرانرا بعمل واداشتم این  
مثل هم یکی از آن چیزهاست که شنیده و دانسته ایم و میان  
ما مردم کمال شهرت را دارد ولی هنوز هم درصدد معنی  
و عمل کردن آن بر نیامده ایم و از هزار یک مضار بیکاری  
پرهیز نکرده ایم و شنیدیم که بیکاری چه عیبها بسر  
انسان می آورد سبحان الله مردم همه ضرر از ندانستن  
دارند مبادعت هم از ندانستن و هم از ندانستن . باینکه  
همه فهمیده ایم که بیکاری بد است باز همه بیکاره تریم  
بل بیکاری سرآمد همه عیاست بیکاری غیرت انسانرا  
میرد بیکاری شرافت انسانیت را بدل شرافت میکند  
بیکاری شرم و حیا را زیان میرساند بیکاری غیر از  
میل بشهوات قسانی نتیجه نمیدهد بیکاری باعث کسالت  
و تن پروریت بیکاری شخص را در اعمال و آداب مذهبی  
ست و گاهل میکند بیکاری عصمت انسانرا بر باد میدهد  
بیکاری غیرت ناموس داری را میرد بیکاری شخصرا  
بزدلی و جزبی وادار میکند بیکاری مرد را درانتظار

خوار و بخلق محتاج میکند ، بیکاری انسانرا بی رویه  
شرفی وادار میکند ، بیکاری مملکترا خراب و اطمینان  
را ذلیل اجانب میکند ، بیکاری خون ملتر را سرد و  
اقتدره مینماید ، بیکاری عوض انجمن اتفاق و یکدلی  
جمع دخل کردن و غرض شخصی صورت دادن تشکیلات  
میدهد ، بیکاری انسانرا وادار میکند بمضویت چند  
انجمن و رسیدن بانها و در ضمن پول از مغرضیت و  
تخریب گرفتن و شرف نوع را بر باد دادن ، بیکاری  
خیالات بزرگانرا بعیش و نوش باساده و باده و اطوار  
و سرگرمی تقاضا میکند ، هوای مملکت بیکار شیخی بینی  
طبیعی لامذهب ، مرشد ، کل مولا ، مدیحه گو ، رهگذر  
تقال ، مارگیر ، مفتخور ، جیب کن ، بابا ماما ، مرصع  
آزار کاسه کوزه دار ، مفتخور ، دعا گو ، رقاص معتاد  
تربلانی ، بنکی ، شیر ، زیاد میروواند در مملکت بیکار  
سائل بکف برک سبزه ، بادنجان دور قاب چین ،  
کتلر متقل نشین ، بسیار میشود ، بزرگان ملت بیکار  
واضدیت و مخالفت و ریاست طایبی و مردمرا بجان یکدیگر  
و محقق شعار میشود امرای مملکت بیکار جز بله و ولع  
و شکار رفتن بچیز دیگر نمیپردازند سر بازو غلام مملکت  
بیکار تربک میخورد ساقاب میزند اگر مواجب بگیرد  
بجیب صاحب منصب میرود ناچار عبا میرد سلامت  
میزد در دکان میچابد و بامیر حق میدهد در مملکت بیکار  
پرانس صلح پیدا میشود دلالی خارجه میکند شرف  
دولت را بر باد میدهد حقوق خارجه ملتر را ضایع میکند  
تیه دولت را ذلیل و خوار عالم مینماید از شدت بیکاری  
با ملانها مغالزه میکند مجسمه صلح میسازد دیوان مدالیج  
خود را جمع میکند در مملکت بیکار پرنس جنک هم باقت

میشود و با کمال بی قابلیتی و نهایت بی لیاقتی خیال کارهای بزرگرا میکند استقلال دولترا میخواهد برهم زند شرف ملت را بر باد دهد و بر مرکب استبداد سوار شود تپه می بیند تدارک می چیند سوار می طلبد سرباز میخواهد با عدم لیاقت شتر چرانی بخمال حکمرانی می افتد با کمال ترس و چین دعوی بهادری میکند حق نمک سلطنت نمیشناسد رسم مروت و حمیت نمیداند نفع خود و ضرر غیر را می طلبد و بده کزور و پست کزور خوردن از سال دولت و ملت قناعت نمیکند بچه مملکت بیکار اگر خدای نکرده به پشت درشکه بکنفر خارجه سوار شود انسواری بیسایه یا نصد تومان جرم کرایه بر میدارد علاوه باید حکومت نظمیه هیئت مخصوصی محض توبه و اعتذار نزد مسو زهرمار بفرستند در مملکت بیکار روز روشن در ماهی که قتال با کفار حرام است بحکم آقا بدون تقصیر مسلمان بخاره را میکشند و بعد از کشتن قطعه قطعه کرده بدزخت می اوزند در مملکت بیکاریک نمر مشاق که فقط محض معنی خواسته اند صورت کار میشود و میخواهد برای دولت خود کار صورت بدهد اذن دعوا میخواهد اصرار میکند اسباب می چیند بلکه دری بسته خورده بازروی خود برسد ملت بیکار بفکر گذراندن مواجب دعا گوئی و گرفتن القاب نا صواب و یافتن مناصب نامناسب می افتد در مملکت بیکار رشوه گرفتن حقوق دولت فروختن داخل شدن در نسب خوردن موقوفات را بی سبب ناسخ و منسوخ بسیار است ملت بیکار افکار سلیمه را بدل باطوار ذمیمه می کنند بلی در مملکتی که کار است عدد لشکر بیش از سردار است توبه و نوبخانه منظم سرتیب و سرباز معلم همه چیز حاضر و فراهم است آری در مملکتی که کار زیاد است روز بروز ثروت عظمت شوکت قدرت در ازدیاد است افراد ملت عالم کار دار واقف بمواقف عصر دانا بر موز سیاست عالم بمقتضیات مملکت آگاه بر ترقی دولت دایم در پی تحصیل شرف مدام در تکمیل صنعت و حرف همیشه در پی زیاد کردن ثمول و ثروت از طرق مشروعه نه از چاپیدن رعیت و ارتکاب بافعال ممنوعه کسب اخلاق حمیده و صفات محموده و ملکات فاضله و سعادات کامله از مشاغل ایشانست تربید منافع و تجدید صنایع را طالبند کنشی های جنکی و تجارتی خطوط آهن تفنگ دل آشوب دینامیت جهان کوب توب مکم و مترابوز بالون جنکی جدید البروز سایر اسباب دفاعیه قوای کهرباییه کارخانه های فراوان مدارس بی پایان کمپانیهای دایر تجار معتبر از دولت سرمایه کاردار است شخصی

سلطان تمول اعیان آسودگی رعیت آسایش مئة امنیت مملکت آبادی ولایه از برکت کاراست در مملکت بیکار اگر بکنفر رعیت خارجه را لخت کنند یا قتل نمایند از هزار جا صدا بر میخیزد و هزار گونه پیرایه می بندند وحشی میخواهند بربری میدانند بجزا میر ساند و ده مقابل دیه میسنانند ولی بهکس اگر در مملکت کار دار روزی صد یا هزار تبعه مملکت بیکار را بدار بزنند و زنده بسوزانند آب از آب حرکت نمیکند صدا از جان بلند نمیشود خلاصه کلام آنکه ملت بی علم هرزه گرد بیکار در همه جا ذلیل و خوارند خداوند در توفیق و وفوق و کلاهی محترم را نایب فرماید که تلافی مافات را بنمایند که از برای اهالی مملکت کربیدا کنند ( خلاصه مذاکرات دارالشورای سه شنبه ۲۵ ذی قعدة ) امروز هیئت کابینه بمجلس آمدند تک کرافتی از جناب سپه دار از استرآباد بمجلس مقدس رسیده بود قرائت شد که مشتمل بود بر اظهار خدمات و اقدامات خود و اینکه سی نفر از اسرا را استرداد داشته ولی افواجی که بنا بود از مازندران و سمنان و دامغان و خراسان و سیصد سوار از طهران بیایند هیچ کدام بعمل نیامد مگر هزار و دویست نفر از مازندران و اینها هم حیره و مواجب میخواهند حواله بشود که انجمن من استرآباد بدهد و این افواج و سواری که قرار بود بفرستند تا اینکه تمام اسرای سابق و لاحق را استرداد نمود اموال منهبه را اخذ تمام گفتند که همین چند پروزه اقدام خواهد شد و اینها را روانه میداریم در خصوص بی نظمی شهر و اینکه شبها مردم را لخت میکنند و چند نفر قراق مست کرده جلو دکتر محمدخان را گرفته چرا وزیر جنک و وزیر داخله رفیع این اغتشاشات را نمی نمایند وزیر جنک اظهار داشت که خیر اقدامات در رفع اغتشاشات شده و آن قزاقها را هم کزرقه حبس کردند که استمناق شوند از آمدن علاء الدوله و رفتن افواج باذربایجان مذاکره شد گفته شد که علاء الدوله با کالسکه مخصوص که شاه فرستاده و مستقبلین وارد خواهند شد و حکومت کرمانشاهان و کردستان هم بایشان خواهد بود و افواج باذربایجان فرستاده خواهد شد از مجازات و دستگیری اشرا را مذاکره شد و سؤال شد که چه اقدامی شده وزیر جنک اظهار داشتند که چند نفر را گرفته و مشغول تحقیق و رسیدگی هستیم که مجازات شوند آنها بیکه بلباس اعلی علم در آمده فرار کردند و بسفارت روس پناهنده شده سفیر بمن نوشته که چون اینجا پناهنده شدند مجازات ایشان را بحبس اکتفا کنید بعد از آنجا هم گذاشته فرار کردند گفته شد که باید وزراء این مطلب را ثابت نمایند که آنها فرار کردند و وزراء قادر

بر دستگیری آنها نبوده و اشراری را که گرفته باید علناً مجازات شوند شواک از رفتن سعدالمسونه شد گفته شد که میروند از فرستادن قشون پارس و مجازات اشرار انجا اظهار شد گفته شد که اقدام خواهد شد درخصوص فرستادن قشون برای آذربایجان و نظم انجا و وصول مالیات مذاکره شد گفتند همین چند روزه خواهیم روانه داشت اظهار شد که اترقرار بعضی روزنامهجات در اسلامبول بسم اینکه از طرف ایران قشون بفرستد فرستاده شد در صورت تجهیز قشون و فرستادن آلات حربیه هستند در این صورت و زرا چه اقدامی کردند وزیر امور خارجه اظهار داشت که این مسئله تکذیب شده است و واقعتاً تمارد از کمیسیون سرحدی سؤال شد که در کجا خواهد شد و تاحال چه کرده اند گفته شد که هنوز معین نشده مشغول مذاکره ایم و بعضی از مطالب هم هست که در مجلس دیگر میتوان جواب داد از اقبال الدوله و شرارت او و تعدی باهل و رامین مذاکره شد و اینکه در صورتیکه او حکومت ندارد چرا رعیت او خوب و کتک میزند دیگر اینکه باید خالصه را از او گرفت زیرا که مجلس در این خصوص اجازه نداده و رئیس التجار باشکوه او حاضر شده اند در حضور رئیس اتوزار خالصه را از اقبال الدوله گرفته خودشان رسیدگی کنند باید بگری و اگذار نمایند

#### مقاله جناب آقا شیخ محمد علی طهرانی

علت تاخیر ترقی مملکت چیست — جهل و نادانی چرا — بدلیل آنکه روح ترقی هر مملکت علم است (مانند آتازونی - ژاپون) بدلیل آنکه آفتاب تمدن هر مملکت علم است (اغلب دول اروپا) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد جان ندارد (مراکش - ایران) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد قدرت و توانائی ندارد (افغان بخارا - ایران) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد سلطان ندارد (اکثر افریقا و اکثر اقیانوس) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد مزبور اجانب است (ایران هند مصر عثمانی) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد اهالی آن مملکت مانند بهائم تردد حول تمدنه معرفی خواهند شد (مراکش اکثر ممالک امریکای مرکزی) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد اهالی آن مملکت بنده دیگران خواهند بود (زنگبار یمن و تونس سودان) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد اینان آن مملکت تجارت و ثروة ندارند (ایران) نتیجه علم است که بقوه الکتریک در هشت ثانیه خبر کل اهل علم را در دروی زمین منتشر میسازد (تلگراف) نتیجه علم است که بقوه الکتریک شام تاریک نصف ملل را چون روز روشن میسازد

(چرا برق) نتیجه علم است که بقوه بخار در ممالک عالم را بیکدیگر مربوط میسازد (ماشین) نتیجه علم است که بقوه بخار انسان را خنک و دریا میکند (کشتی) نتیجه علم است که یک آدم بقوه جراثیم کار هزار پهلوان میکند نتیجه علم است که بتوسط چند جسم شفاف (تلسکوپ) انسان را از احوال کرات آسمانی باخبر میکند نتیجه علم است که دوسیر با روط کار هزار تیر و شمشیر میکند (توپ کروپ) نتیجه علم است که کورنابینا را بیند میناید نتیجه علم است که چندین میلیون را در معدلت خواهی و حقوق خلقی متحد میسازد نتیجه علم است که بیصد چندین هزار فرسخ چهل میلیون (انگلیس) بر چهار صد میلیون حکومت میناید نتیجه علم است که بقوه منیسیم از خیالات طرف آدمرا باخبر میسازد نتیجه علم است که بقوه اطرو و جیورژن بتوسط بالن انسان چون مرغ طیار در آسمان سیر میکند نتیجه علم است که شرف انسان خاک را از او برتر میکند لیکن هزار افسوس که ایران از این نعمت کران بهاء محروم مانده و بدین جهت ویران گشته بلکه یکی از واجبات مذهبی و فرائض دینی ابناء این مملکت تحصیل علم است (طلب العلم فریضه علی کل مسلم مسلمة) هنوز یکسیر فلز از معادن ایران بخرج ترقی هنوز یکسیر قطب از معادن این مملکت مصرف نشده حتی یکسیر کوکورد از معادن این وطن بخرج نیامده هنوز یک کوشه این مملکت آباد نگشته هنوز تعداد نفوس بیست این مملکت نشده هنوز راه یکطرف از این مملکت سطح نگشته هنوز گرفتن مالیات این مملکت در تحت قانون نیامده هنوز نظام این مملکت در تحت قانون نظامی ترقی هنوز اهل علم و غیر اهل علم این مملکت از هم تمیز نگشته؟ این همه نواقص از کجا پیدا شد — از غشاشات ادارات عنیه؟ چرا — بدلیل آنکه تست و بیخبال است مدرسه دار الفنون افتتاح شده هنوز چند نفر مترجم طیب شیبانی فیزیکی محاسب سیندس جنرافیا فیزولوژی فیزولوژی سببولوژی حقیق دان نثریحی و غیره صحیح دیلم گرفته بیرون نیامده — بدلیل آنکه قریب بیست سال است مدرسه نظامی افتتاح شده هنوز چند نفر سرتیب میر پنج امیر عیون سردار سپهسالار دیلم گرفته صحیح بیرون نیامده — بدلیل آنکه قریب بیست سال است مدرسه سیاسی افتتاح شده هنوز چند نفر قونول وزیر مختار وزیر امور خارجه صحیح دیلم گرفته بیرون نیامده — بدلیل آنکه قریب پنج سال است مدرسه فلاحت افتتاح شده هنوز چند نفر

میشود و با کمال بی قابلیتی و نهایت بی لیاقتی خیال کارهای بزرگرا میکند استقلال دولتها میخواهد برهم زند شرف ملت را بر باد دهد و بر مرکب استبداد سوار شود تبه می بیند تدارک می بیند سوار می طلبد سرباز میخواهد با عدم لیاقت شتر چرانی بخمال حکمران می افتد با کمال ترس و حین دعوی بهادری میکند حق نمک سلطنت نمیشناسد رسم مروت و حیت نمیداند نفع خود و ضرر غیر را می طلبد و بده کزور و پست کزور خوردن از سال دولت و ملت قناعت نمیکند بچه مملکت بیکار اگر خدای نکرده به پشت درشکه بکسفر خارجه سوار شود انسواری بیسایه یا نصد تومان جرم گریه بر میدارد علاوه باید حکومت نظمیه هیئت مخصوص محض توبه و اعتذار ترد میوز زهرمار بفرستند در مملکت بیکار روز روشن در ماهی که قتال با کفار حرام است بحکم آقا بدون تقصیر مسلمان بیچاره را میکشند و بعد از کشتن قطعه قطعه کرده پدرخت می اویزند در مملکت بیکاری نترسناک که فقط محض معلمی خواسته اند صورت کار میشود و میخواهد برای دولت خود کار صورت بدهد اذن دعوا میخواهد اصرار میکند اسباب می بیند بلکه دری بسته خورده بازروی خود برسد ملت بیکار بنگر گذراندن مواجب دعا گوئی و گرفتن القاب نا صواب و یافتن مناسب نامناسب می افتد در مملکت بیکار رشوه گرفتن حقوق دولت فروختن داخل شدن در نسب خوردن موقوفات را بی سبب ناسخ و منسوخ بسیار است ملت بیکار افکار سلیمه را بدل با طوار ذمیمه می کنند بلی در مملکتی که کار است عدد لشکر بیش از سردار است توپ و توپخانه منظم سرتیب و سرباز معلم همه چیز حاضر و فراهم است آری در مملکتی که کار زیاد است روز بروز ثروت عظمت شوکت قدرت در از دیاد است افراد ملت عالم کار دار واقف بمواقف عصر دانا بر موز سیاست عالم بمقتضیات مملکت آگاه بر ترقی دولت دایم در پی تحصیل شرف مدام در تکمیل صنعت و حرف همیشه در پی زیاد کردن تمول و ثروت از طرق مشروعه نه از چاپیدن رعیت و از تکاب با فعاک منوعه کسب اخلاق حمیده و صفات محموده و ملکات فاضله و سماعات کامله از مشاغل ایشانست تزئید منافع و تجدید صنایع را طالبند کثی های جنکی و تجارتی خطوط آهن تنگ دل آشوب دینامیت جهان کوب توپ مکسم و مترالبوز بالون جنکی جدید البروز سایر اسباب دفاعیه قوای کهرباییه کار خابای فراوان مدارس بی پایان کتابهای دایر تجار معتبر از دولت سرمایه کاردار است شخصی

سلطان تمول اعیان آسودگی رعیت آسایش مئة امنیت مملکت آبادی ولایه از برکت کاراست در مملکت بیکار اگر بکسفر رعیت خارجه را لخت کنند یا قتل نمایند از هزار جا صدا بر میخیزد و هزار گونه پیرایه می بندند وحشی میخوانند بربری میدانند بجزا می رسند و ده مقابل دبه میستانند ولی بعکس اگر در مملکت کاردار روزی صد یا هزار تبه مملکت بیکار را بدار بزنند و زنده بسوزانند آب از آب حرکت نمیکند صدا از جان بلند نمیشود خلاصه کلام آنکه ملت بی علم هرزه کردی کار در همه جا ذلیل و خوارند خداوند دولت علیه را توفیق و وکلای محترم را توفیق میداند که تلافی مافات بر این نمایند که از برای اهالی مملکت کربینا کنند (خلاصه مذاکرات دارالشورای سه شنبه ۲۵ ذی قعدة) امروز هیئت کابینه بمجلس آمدند تا کسرافی از جناب سیدار از استرآباد بمجلس مقدس رسیده بود قرائت شد که مشتمل بود بر اظهار خدمات و اقدامات خود و اینکه سی نفر از امرای استرداد داشته ولی افواجی که بنا بود از مازندران و سمنان و دامغان و خراسان و سیصد سوار از طهران بیایند هیچ کدام بسمل نیامد مگر هزار و دویست نفر از مازندران و اینها هم حیره و مواجب میخواهند حواله بشود که انجمن می استرآباد بدهد و این افواج و سواری که قرار بود بفرستند تا اینکه تمام اسرای سابق و لاحق را استرداد نموده اموان منهو به را اخذ نمایند گفتند که همین چند روزه اقدام خواهد شد و اینها را روانه میداریم در خصوص بی نظمی شهر و اینکه شیبا مردم را لخت میکنند و چند نفر قزاق مست کرده جلو دکتر محمدخان را گرفته چرا وزیر جنک و وزیر داخله رفع این اغتشاشات را نمی نمایند وزیر جنک اظهار داشت که خیر اقدامات در رفع اغتشاشات شده و آن قزاقها را هم گرفته حبس کردند که استمناق شوند از آمدن علاء الدوله و وقت افواج با ذریبانان مذاکره شد گفته شد که علاء الدوله با کالکه مخصوص شاه فرستاده و مستقبلین وارد خواهند شد و حکومت کرمانشاهان و کردستان هم بایشان خواهد بود و افواج با ذریبانان فرستاده خواهد شد از مجازات دستگیری اشرار مذاکره شد و سؤال شد که چه اقدامی شده وزیر جنک اظهار داشتند که چند نفر را گرفته و مشغول تحقیق و رسیدگی هستیم که مجازات شوند آنها یکی بلباس اعلی علم در آمده فرار کردند و بسفارت روس پناهنده شده سفیر بمن نوشته که چون اینجا پناهنده شدند مجازات ایشان را بحبس اکتفا کنید بعد از آنجا هم گذاشته فرار کردند گفته شد که باید وزراء این مطلب را ثابت نمایند که آنها فرار کردند و وزراء قادر

بر دستگیری آنها نبودند و اشراری را که گرفته باید علناً مجازات شوند سؤال از رفتن سعدالدوله شد گفته شد که میروند از فرستادن قشون بنارس و مجازات اشرار انجا اظهار شد گفته شد که اقدام خواهد شد درخصوص فرستادن قشون برای آذربایجان و نظم انجا و وصول مالیات مذاکره شد گفتند همین چند روزه خواهیم روانه داشت اظهار شد که از قرار بعضی روزنامهجات در اسلامبول باسم اینکه از طرف ایران قشون بسرحد فرستاده شد درصدد تهیه قشون و فرستادن آلات حربیه هستند در این صورت وزرا چه اقدامی کردند وزیر امور خارجه اظهار داشت که این مسئله تکذیب شده است و واقعیت ندارد از کمیسیون سرحدی سؤال شد که در کجا خواهد شد و تاحال چه کرده اند گفته شد که هنوز معین نشده مشغول مذاکره ایم و بعضی از مطالب هم هست که در مجلس دیگر میتوان جواب داد از اقبال الدوله و شرارت او و تمدی باهل و رامین مذاکره شد و اینکه در صورتیکه او حکومت ندارد چرا رعیت را خوب و کتک میزند دیگر اینکه باید خالصه را از او گرفت زیرا که مجلس در این خصوص اجازه نداده رئیس التجار باشرکه او حاضر شده اند در حضور رئیس الوزرا خالصه را از اقبال الدوله گرفته خودشان رسیدگی کنند یا دیگری و اگذار نمایند

مقاله جناب آقا شیخ محمد علی طهرانی

علت تاخیر ترقی مملکت چیست — جهل و نادانی چرا — بدلیل آنکه روح ترقی هر مملکت علم است (مانند آتازونی - ژاپون) بدلیل آنکه آفتاب تمدن هر مملکت علم است (اغلب دول اروپا) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد جان ندارد (مراکش - ایران) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد قدرت و توانائی ندارد (افغان بخارا - ایران) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد سلطان ندارد (اکثر افریقا و اکثر اقیانوس) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد مزدور اجانب است (ایران هند مصر عثمانی) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد اهالی آن مملکت مانند بهائم نزد دول متمدنه معرفی خواهند شد (مراکش اکثر ممالک امریکای مرکزی) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد اهالی آن مملکت بنده دیگران خواهند بود (زنگبار بخارا تونس سودان) بدلیل آنکه هر مملکتی که علم ندارد ابناً آن مملکت تجاره و ثروة ندارند (ایران) نتیجه علم است که بقوه الکتریک در هشت ثانیه خبر کل اهل عالم را در دروی زمین منتشر میسازد (تلگراف) نتیجه علم است که بقوه الکتریک شام تاریک نصف ملل را چون روز روشن میسازد

(جرات برق) نتیجه علم است که بقوه بخار ملل مملکت عالم را بیکدیگر مربوط میسازند (ماشین) نتیجه علم است که بقوه بخار انسان خاکی را نهنگ دریا میکند (گشتی) نتیجه علم است که یک آدم بقوه جراتقال کار هزار پهلوان میکند نتیجه علم است که بتوسط چند جسم شفاف (تلسکوپ) انسانرا از احوال کرات آسمانی باخبر میکند نتیجه علم است که دوسر باروط کار هزار تیر و شمشیر میکند (توپ کروپ) نتیجه علم است که گویا را بینا مینماید نتیجه علم است که چندین ملون و اهر صمکته خواهی و حقوق طلبی متحد میسازد نتیجه علم است که بعد چندین هزار فرسخ جهل طلبوت (انکلیس) بر چهار صد ملون حکومت مینماید نتیجه علم است که بقوه منبسم از خیالات طرف آدمرا باخبر میسازد نتیجه علم است که بقوه الطرو هیدروژن بتوسط بالن انسان چون مرغ طلوت در آسمان سیر میکند نتیجه علم است که شرف آفتاب خاکی را از ملائک برتر میکند لیکن هزار افسوس که لبراق از این نعمت کران بپاه محروم مانده و بدین جهت و روان گشته بالانکه یکی از واجبات مذهبی و فرایض دینی اینست اینمملکت تحصیل علم است (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه) هنوز یکسیر فلز از معدن ایران بخرج نرفته هنوز یکسیر نقط از معدن اینمملکت مصرف نشده هنوز یکسیر کوکورد از معدن این وطن بخرج نیامده هنوز یکوشه اینمملکت آباد نکند هنوز تعداد قشون پایتخت این مملکت نشده هنوز راه بکطرف لزاج مملکت مسطح نکند هنوز گرفتن مالیات اینمملکت بر تحت قانون نیامده هنوز نظام این مملکت در تحت قانون نظامی ترقه هنوز اهل علم و غیر اهل علم این مملکت از هم تمیز داده نشده؟ این همه نواقص از کجا پیدا شد — از اغتشاشات ادارات عنیه؟ چرا — بدلیل آنکه شصت و پنجسال است مدرسه دار الفنون افتتاح شده هنوز چند نفر مترجم طبیب شیمیائی فیزیکی غالب مهندس جغرافیائی زیولوژی فیزیولوژی حقوق دان تشریحی و غیره صحیح دیلم گرفته بیرون نیامده — بدلیل آنکه قریب بیست سال است مدرسه نظامی افتتاح شده هنوز چند نفر سرب میرونیج امیر تومان سردار سپهسالار دیلم گرفته صحیح بیرون نیامده — بدلیل آنکه قریب بیست سال است مدرسه سیاسی افتتاح شده هنوز چند نفر قوقبول و وزیر مختار وزیر امور خارجه صحیح دیلم گرفته بیرون نیامده — بدلیل آنکه قریب پنج سال است مدرسه کلاحت افتتاح شده هنوز چند نفر

فلاح کبانه شناس و غیره صحیح دیپلم گرفته بیرون نیامده — بدلیل آنکه قریب بده سال است مدارس ابتدائی وسطی علمی افتتاح شده هنوز چند نفر جغرافیائی دفتر دار محاسب و غیره صحیح دیپلم گرفته بیرون نیامده — بدلیل آنکه در تمام ایران غیر معدودی قابل کافی از برای اداره کردن وزارتخانهها از روی علم و بصیرت در این مملکت نیست؟ مگر اهل ایران فهم طبیعی و ادراک فطری ندارند که بعد از سالها تحصیل غیر چند نفر عالم دیپلماتی قابل تربیت شده نداریم. مگر اهل ایران هوش فطری و ذکاوت طبیعی ندارند که بعد از سالها تحصیل غیر چند نفر طیب حاذق فیزیک و لوزی کامل فاضل نداریم. مگر اهل ایران شعور و ذوق سلیم ندارند که بعد از سالها تحصیل غیر چند نفر مهندس و فلاح و کبانه شناس نداریم. مگر اهل ایران سلول دماغهای ایشان با سلول کلههای اروپائیان فرق دارد که اروپائیان باوج اعلى تمدن خود را وسایده و هنوز ایرانیان چندین هزار قدم از حضیض تمدن دورند — بی نوع انسان تمام در خلقت و شیوه مانند یکدیگرند لیکن بعزت عوارض خارجی طایفه در مقام فهم و ذکاوت از طایفه دیگر برتری دارند مثلا مردم اراضی نزدیک قطب شمالی و جنوبی (منطقه منجمده) از شدت برودت و سردی بطنی و کودن و بیفهمند و مردم اراضی نزدیک خط استواء (منطقه حاره) از کثرت حرارت و گرمی از فهم اعتدالی دور افتاده اند و بین این دو قطعه (منطقه معتدله) بجهت اعتدال هوا و لطافت آب و خاک مردم با جزیره و فهم و وجود ترتیب میشوند پس میتوانیم دعوی قطعی کنیم بطور جد و یقین که مردم آسیا خاصه ایران از اکثر اروپائیان بافهم و با شعور ترند پس عاقلانه تاخیر ایرانیان در تمدن از اروپائیان چیست با آنکه در مقام تحصیل علوم کمال جدوجهد را داشته و دارند استبداد! استبداد چه مداخله در باب پیش رفتن امور معارف دارد — بدلیل آنکه استبداد مانع تاسیس و افتتاح مدارس بود — بدلیل آنکه استبداد عاقلانه ذلت عالم و عزت جاهل بود — بدلیل آنکه استبداد تاسیس مدارس را سرمایه تجارت مینداخت — بدلیل آنکه استبداد پروگرام مدارس را مختلف میکذاشت — بدلیل آنکه استبداد صاحب پروگرام و اجازده را از ادارات دولتی و ملتی اخراج میساخت! فعلا که دولت مشروطه است چه باید کرده شغل را باید از نگاهبان آن خواست پس زوی کلام را اول باید بطرف وزیر علوم متوجه سازیم و گوئیم وزارت علوم تا بحال اسمی بود و رسمی نداشت صورتی بود و حقیقتی نداشت لفظی بود و معنی نداشت وزیر علموی

می شنیدیم و عالی نمیدیدیم انجمن معارفی میشنیدیم و معارفی نمیشناختیم امروز روزی است که بتوسط علم مردم این مملکت از فقر و برهنگانی نجات یابند امروز روزی است که بتوسط علم مردم این مملکت از ذلت و خاری سابر دول عالم بیرون آیند امروز روزی است که بتوسط علم در تمام ادارات دولتی غیر از صاحب دیپلم کسی مستخام نباشد — امروز روزی است که بتوسط علم مردم این مملکت خود را صاحب آب و خاک بدانند، امروز روزی است که باید دامن همت بکمر زنی مردم جاهل این مملکت را از گرداب جهل نجات دهی، امروز روزی است که نام نیک خود را از جهت خدمت بوطن عزیز در صفحات تاریخ باقی گذاری، امروز روزی است که ترویج علم کنی و تشویق ابناء مملکت ثنائی امروز روزی است که تشکیل انجمن معارف از داناتان و بی عرضان مملکت دهی و زمام امور علمی را بقدر قوت و قدرت بدست ایشان دهی، تا نیروی سخن را متوجه باعضاء انجمن معارف میکنیم و میکوشیم سالهاست انجمن معارفی تشکیل شده هنوز یک پروگرام صحیح از برای مدارس نوشته اند سالهاست انجمن معارف تشکیل شده هنوز عطف نظر بمدارس قدیمه و جدیده نموده اند سالهاست انجمن معارف تشکیل شده هنوز تغییر اسلوب تدریس را بوجه سهل نداده اند سالهاست انجمن معارف تشکیل شده هنوز یک مقدار کتب مفیده از برای مدارس تألیف نکرده اند سالهاست انجمن معارف تشکیل شده هنوز یک مقدار از علوم مفیده از کتب خارجه ترجمه نکرده اند سالهاست انجمن معارف تشکیل شده هنوز تغییر یک الف با داده اند سالهاست انجمن معارف تشکیل شده هنوز وضع لغات از برای اصطلاح علمی نکرده اند امروز روزی است که عمر کران بهارا صرف قبل و قال نکنید امروز وقت گشته عمر مملکت با خورسیده وطن در حال احتضار اگر تریاق یدست دارید این مریض وطن را از این دربار نادانی نجات دهید اگر راهی جسته اید این کمکشکنان مملکت را نشان دهید که میتوانید علوم خارجه را بزبان می ترجمه کنید تا چندین سال عمر اطفال مملکت در تحصیل زبان خارجه مصرف نشودا که میتوانید بزودی پروگرام مدارس را تعیین کنید که میتوانید تألیف کتب مفیده از برای مدارس فرمائید که ممکن نیست که بجمیع امور رسیدگی کنید جمعی را بمتعاونت اختیار کنید تا از این خرمن خوشه برچینید و از رفیق در انجمن معارف و نشستن و گفتن و برخاستن هیچ بر او اثری مترتب نخواهد شد (افلاهل العلم محمد علی الطهرانی)

( حسن الحسینی الکاشانی )